

رمال کلاهبردار به دام افتاد

مرد رمال به بهانه فراهم کردن مقدمات سفر دو خواهر به آمریکا، از آنها خواسته بود استخوان‌های الاغ را همراه داشته باشند تا بتوانند به راحتی از فرودگاه عبور کنند.



استخوان الاغ مجوز سفر به آمریکا

رمال کلاهبردار به دام افتاد

جام جم آنلاین: مرد رمال به بهانه فراهم کردن مقدمات سفر دو خواهر به آمریکا، از آنها خواسته بود استخوان‌های الاغ را همراه داشته باشند تا بتوانند به راحتی از فرودگاه عبور کنند.

به گزارش #171جام‌جم»، رسیدگی به این پرونده 24 شهریور امسال با شکایت دو خواهر مبنی بر کلاهبرداری از سوی یک مرد رمال در دستور کار ماموران پلیس در پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

با تحقیق از شاکیان معلوم شد، مرد رمالی به بهانه این که می‌تواند مقدمات سفر دو مالباخته به کشور آمریکا را فراهم کند، آنها را فریب داده و میلیون‌ها تومان از آنها کلاهبرداری کرده است.

یکی از شاکیان در ارتباط با آشنایی‌اش با رمال شیاد گفت: برای خرید دلار به یکی از بانک‌های شمال تهران رفته بودم که با یک زن آشنا شدم. او گفت با شوهرش اختلاف جدی داشته و برای حل مشکلات به خانه یک رمال رفته و از او نسخه‌های خوشبختی خریده است. بعد از چند هفته نسخه‌ها اثر کرده و با تغییر رفتار شوهرش روبه‌رو شده است.

شاکی اضافه کرد: زن غریبه از من خواست اگر تمایل داشته باشم می‌تواند مرا با مرد رمال آشنا کند تا مشکلاتم حل شود. پس از آن که اعتمادم به او جلب شد، آدرس خانه رمال را گرفتم و به همراه خواهرم به خانه‌اش در شهری رفتیم.

نخستین ملاقات با مرد رمال

زن شاکی گفت: در نخستین ملاقاتمان مرد رمال کاسه‌ای پر از آب را مقابلمان قرار داد و گفت: یک طلسم سنگین بر زندگی شما دو خواهر افتاده و به این زودی‌ها شکسته نمی‌شود.

وی افزود: وقتی مرد رمال از وضعیت زندگی کمی حرف زد، دیگر مطمئن شدیم او می‌تواند مشکل سفرمان را حل کند. به رمال گفتیم یکی از اقواممان که در آمریکا زندگی می‌کند، برایمان دعوت‌نامه فرستاده است اما قادر به سفر نیستیم.

شاکی گفت: مرد رمال با شنیدن حرف‌های من و خواهرم ادعا کرد با نوشتن یک نسخه می‌تواند مشکلمان را حل کند بنابراین دستمالي به ما داد و با خواندن وردهایی درون یک کاغذ، متن‌هایی را روی آن نوشت و تحویلمان داد. بعد خواست به مدت یک ماه آن را در میان لباس‌هایمان پنهان کنیم.

وی اضافه کرد: طبق این خواسته عمل کردیم، اما بی‌نتیجه بود. دوباره به ملاقات رمال رفتیم، اما او هر بار بهانه می‌آورد و به مدت یک سال ما را فریب می‌داد و به عناوین مختلف نسخه‌های عجیب و غریب، کوزه شکسته و استخوان‌های فرسوده به ما می‌داد تا در حیاط خانه‌مان دفن کنیم یا در کنج اتاق‌های خانه قرار دهیم و در این زمینه با دیگر اعضای خانواده‌مان حرفی نزنیم.

شاکی با اشاره به کلاهبرداری مرد رمال گفت: یک سال گذشت و ما موفق به سفر نشده بودیم و رمال چهار میلیون تومان از ما گرفته بود.

وی افزود: یک ماه پیش دوباره به ملاقات رمال رفتیم که این بار ادعا کرد یک طلسم سنگین در زندگی شما وجود دارد و این مشکل حل نمی‌شود مگر آن که استخوان الاغ را تا پایان سفر و رفتن به آمریکا با خود حمل کنیم.

زن شاکی گفت: با پرداخت 20 میلیون تومان دیگر طبق آخرین خواسته مرد رمال، من و خواهرم پیراهنی که او روی آنها نسخه‌های خوشبختی نوشته شده بود، به تن کردیم و استخوان الاغ را درون چمدان‌هایمان گذاشتیم و به سفارت آمریکا در دبي رفتیم. قرار بود پیش از دادن گذرنامه‌هایمان به پلیس فرودگاه دبي، بر استخوان‌ها فوت کرده و با نزدیک شدن به مامور مستقر در آنجا وردهایی را برای او بخوانیم.

زن شاکي اضافه کرد: این کارها را یکی پس از دیگری در فرودگاه انجام دادیم؛ اما مامور فرودگاه پس از مشاهده گذرنامه‌هایمان گفت: شما نمی‌توانید به آمریکا سفر کنید. در همین موقع استخوان الاغ را دوباره از چمدان‌هایمان بیرون آورده و با خواندن وردهایی آن را مقابل مامور فرودگاه گرفتیم که او وحشت کرد و از همکاریانش کمک خواست. در همین موقع آنها به ما شک کرده و پس از دستگیری، ما را از دبی اخراج کردند.

شاکي ادامه داد: بلافاصله پس از بازگشت به تهران، به خانه رمال رفتیم؛ اما خبری از او نبود.

در پی شکایت این دو خواهر، قاضی سپهری، رئیس شعبه پنجم دادیاری دادرسی شهری، دستور ویژه‌ای را در این زمینه صادر کرد.

ماموران پایگاه نهم پلیس آگاهی با اطلاعات به دست آمده از شاکیان، به خانه رمال فراری در شهری رفتند، اما با تحقیق از همسایه‌ها معلوم شد او خانه اجاره‌ای‌اش را تحویل صاحبخانه داده و به مکان دیگر نقل مکان کرده است.

جستجوها برای دستگیری رمال شیاد ادامه داشت تا این که خانه جدید وی در حومه شهری شناسایی شد و او را دو روز پیش دستگیر کردند.

با انتقال رمال میانسال به پلیس آگاهی، وی بازجویی شد و گفت: 16 سال است که در محله‌ها و شهرهای مختلف رمالی می‌کنم. چندی پیش به شهری آمده و با دروغ و وعده‌های فراوان به مردم از آنها کلاهبرداری می‌کردم. دو زن تهرانی را نیز فریب دادم.